



The conflict Between Official Discourse and Generational Reality in the Gender Socialization of Iranian Adolescents (A Content Analysis of Family Management and Lifestyle Textbooks and a Study of Female Students' Reading of Their Book)

Seyed Zia Hashemi¹ | Seyed Mahdi Etemadifard² | Fatemeh Fazli³

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Zhashemi@ut.ac.ir

2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Etemady@ut.ac.ir

3. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: Fateme.fazli89@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 10 November 2024

Received in revised form: 12 April 2025

Accepted: 10 May 2025

Published online: Published online: 20 June 2025

Keywords:

Gender Socialization,
Inductive Content analysis,
School Gender Discourse,
Students' Reading,
Textbooks.

ABSTRACT

This research studies gender socialization in two textbooks, "Family Management and Lifestyle" for twelfth grade girls and boys, and evaluates female students' reading of the gender content of the book which is written for girls. The purpose of this research is to analyze the content of these books as a tool of formal socialization, with an emphasis on the representation of values, roles, and gender power relations, and to study and typify the predominant response of female students as the target group to the content of their special book.

The research method is inductive qualitative content analysis and in-depth interviews with ten girl students, and the data were coded and analyzed by using MaxQDA software.

The findings show that the semantic structure of the books is based on an essentialist view of gender, which leads to the reproduction of traditional gender roles and gender system. Female students' reading of their book is consistent with the results of the content analysis. They believe that the purpose of the book is to reproduce the meaning of femininity and masculinity in accordance with the traditional gender system and to marginalize women's social activism. Therefore, critical, protesting, and resistant reactions to the content of the book have been shown, highlighting the value gap between the official school discourse and their living world. This research shows that a review of gender educational content is necessary to align with cultural and social developments and maintain the effectiveness of the explicit curriculum in the process of gender socialization.

Cite this article: Hashemi, S.Z., Etemadifard, S. M. & Fazli, F. (2025). The conflict Between Official Discourse and Generational Reality in the Gender Socialization of Iranian Adolescents (A Content Analysis of Family Management and Lifestyle Textbooks and a Study of Female Students' Reading of Their Book). *Social Studies and Research in Iran*, 14(2):345-368. <https://doi.org/10.22059/JISR.2025.397829.1636>



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JISR.2025.397829.1636>



تعارض گفتمان رسمی و واقعیت نسلی در جامعه‌پذیری جنسیتی نوجوانان ایرانی (تحلیل محتوای کتب مدیریت خانواده و سبک زندگی و بررسی خوانش دانش‌آموزان دختر از آن)

سیدضیاء هاشمی^۱ | سیدمهدی اعتمادی‌فرد^۲ | فاطمه فضلی^۳

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Zhashemi@ut.ac.ir
۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Etemady@ut.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Fateme.fazli89@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش به مطالعه جامعه‌پذیری جنسیتی در دو کتاب درسی «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه دختران و پسران پایه دوازدهم و ارزیابی خوانش دانش‌آموزان دختر از محتوای جنسیتی کتاب ویژه دختران می‌پردازد. هدف این پژوهش تحلیل محتوای این کتب به‌عنوان ابزار جامعه‌پذیری رسمی، باتاکید بر بازنمایی ارزش‌ها، نقش‌ها، و روابط قدرت جنسیتی است و مطالعه و تیپ‌شناسی واکنش غالب دانش‌آموزان دختر به‌عنوان گروه هدف نسبت به محتوای کتاب است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۰	روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی استقرایی و مصاحبه عمیق با ده نفر از دانش‌آموزان است و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA کدگذاری و تحلیل شده‌اند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۲۲	یافته‌ها نشان می‌دهد ساختار معنایی کتب مبتنی بر نگاه ذات‌گرایانه به جنسیت است که به بازتولید نقش‌های سنتی جنسیتی منتهی می‌شود. خوانش دانش‌آموزان دختر از کتاب ویژه دختران منطبق بر نتایج تحلیل محتوای کتاب است. آن‌ها معتقدند هدف کتاب بازتولید معنای زنانگی و مردانگی منطبق بر نظام جنسیتی سنتی و به حاشیه راندن کنشگری اجتماعی فعال زنان است. از این‌رو نسبت به محتوای کتاب واکنش‌های انتقادی، اعتراضی و مقاومت‌آمیز نشان داده‌اند که شکاف ارزشی میان گفتمان رسمی مدرسه و زیست‌جهان آنان را برجسته می‌کند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۴	این پژوهش نشان می‌دهد که بازنگری در محتوای آموزشی جنسیتی برای همخوانی با تحولات فرهنگی اجتماعی و حفظ تأثیرگذاری برنامه درسی آشکار در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی ضروری است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
تحلیل محتوای استقرایی،	
جامعه‌پذیری جنسیتی، خوانش	
دانش‌آموزان، کتب درسی، گفتمان	
جنسیتی مدرسه	

استناد: هاشمی، سیدضیاء، اعتمادی‌فرد، سیدمهدی و فضلی، فاطمه (۱۴۰۴). تعارض گفتمان رسمی و واقعیت نسلی در جامعه‌پذیری جنسیتی نوجوانان ایرانی (تحلیل محتوای کتب مدیریت خانواده و سبک زندگی و بررسی خوانش دانش‌آموزان دختر از آن). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۴(۲): ۳۶۸-۳۴۵.

<https://doi.org/10.22059/JISR.2025.397829.1636>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JISR.2025.397829.1636>

۱. مقدمه و بیان مسئله

نظام آموزش و پرورش در ایران بر مبنای رویکرد متمرکز و کتاب‌محور طراحی شده‌است. در این چهارچوب کتب درسی نه تنها حامل مفاهیم علمی‌اند بلکه نقش محوری در برساخت هویت و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نهادینه‌کردن نظم نمادین دارند. این کتب به‌ویژه در عرصه‌های مرتبط با اخلاق، اعتقادات و جنسیت به‌مثابه ابزار ایدئولوژیک دولت حامل گفتمان مسلط و نظم هنجاری مدنظر حاکمیت‌اند. به سخن دیگر، مدرسه بازوی دولت در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی است. جامعه‌پذیری جنسیتی، فرآیندی است که طی آن افراد از طریق نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه و دین، انتظارات فرهنگی مرتبط با زن یا مرد بودن را درونی می‌کنند. پژوهش‌های متعددی (مانند عابدینی و همکاران ۱۳۹۸، فروتن ۲۰۱۲، کانل ۲۰۰۸، افشانی و همکاران ۱۳۸۸) نشان داده‌اند که مدرسه و کتاب‌های درسی در بازتولید یا به‌چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی سنتی تأثیر بسزایی دارند.

بنابراین برای درک ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر گفتمان مدرسه در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی، یکی از بهترین و مهم‌ترین مراجع کتاب‌ها هستند. کتاب‌های درسی «مدیریت خانواده و سبک زندگی» که از سال ۱۳۹۷ به بعد در پایه دوازدهم به‌صورت تفکیکی برای دانش‌آموزان دختر و پسر طراحی شده‌اند، تلاش هدفمند نظام آموزشی برای بازتولید نظم جنسیتی مطلوب خویش و شکل‌دهی به هویت جنسیتی دانش‌آموزان‌اند. این دو کتاب به‌صورت هدفمند، هنجارهای جنسیتی، نقش‌های خانوادگی، انتظارات رفتاری و الگوهای زیست‌مندی را به‌شکلی نظام‌مند بازنمایی می‌کنند. با این وجود، تاکنون تحلیل جامعه‌شناختی جامعی با رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای میان دو کتاب ویژه دختران و پسران و تحلیل واکنش مخاطبان اصلی آن‌ها یعنی دانش‌آموزان نسبت به محتوای آموزشی جنسیتی کتاب‌ها صورت نگرفته‌است. هدف ما در این مقاله بررسی و مطالعه این دو کتاب به‌عنوان منبع اصلی جامعه‌پذیری جنسیتی و مؤلفه‌های اصلی این فرآیند و در نهایت استخراج مدل مفهومی و ساختار محتوایی کتاب است.

در این میان، تحولات فرهنگی، رشد رسانه‌های نوین و فزونی یافتن دسترسی نوجوانان به گفتمان‌های متکثر درباره جنسیت و بدن را می‌توان از جمله علل توجه محققان به مسأله خوانش دانش‌آموزان نسبت به کتب درسی «مدیریت خانواده و سبک زندگی» دانست. زیرا همانطور که گیدنز مطرح می‌کند هویت در عصر مدرن ثابت، سنتی و از پیش تعیین‌شده نیست و دسترسی به منابع اطلاعاتی و ارتباطی در عصر مدرن در روند هویت‌یابی تأثیر می‌گذارد و هویت افراد به‌خصوص هویت جنسیتی در دنیای مدرن انتخابی، تغییرپذیر و شخصی‌سازی شده‌است (گیدنز، ۱۹۹۱: ۳۲). بدین‌منظور، با توجه به شرایط اجتماعی جامعه ایران و جنبش‌های اجتماعی مطالبه‌خواهانه زنان و همچنین براساس مطالعات اولیه محققان^۱، گروه هدف پژوهش جهت ارزیابی خوانش دانش‌آموزان، دختران انتخاب شدند. در دهه اخیر دانش‌آموزان دختر بیش از نسل‌های گذشته با هویت‌های جنسیتی مدرن مواجه شده‌اند و جریان‌های اجتماعی و دسترسی به فضای مجازی به تناقضات هویتی این گروه بیشتر دامن زده‌است. به‌همین دلیل ارزیابی فهم و تجربه دانش‌آموزان دختر به‌عنوان مخاطبان خاص آموزه‌های جنسیتی مدرسه امکان درک عمیق‌تر فرایندها و تعاملات اجتماعی مدرسه را فراهم می‌کند.

ارزیابی خوانش و ادراک دانش‌آموزان دختر از این کتاب‌ها از چند منظر حائز اهمیت است:

۱. در حین انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده، محققان دریافتند که خوانش دانش‌آموزان دختر نسبت به کتاب حامل داده‌های ویژه و مسئله‌مند است. در حالی که مصاحبه با پسران چنین داده‌هایی به همراه نداشت. به همین دلیل در ادامه پژوهش، محققان دانش‌آموزان دختر را به‌عنوان گروه هدف برگزیدند.

ارزیابی میزان تطابق آموزه‌های جنسیتی کتاب با تجربه‌زیسته و باورهای دانش‌آموزان: اهمیت این ارزیابی در دو بخش نمایان می‌شود. در بخش اول با ارزیابی فهم دانش‌آموزان از کتاب متوجه می‌شویم که آیا دانش‌آموزان همان الگویی را درک کرده‌اند که هدف کتاب بوده‌است و این الگو تا چه میزان با دنیای اجتماعی و فرآیند هویت‌یابی دانش‌آموزان مطابقت دارد. کتاب می‌تواند منبعی مطمئن برای پاسخگویی به شبهات و ابهامات دانش‌آموزان باشد و می‌تواند اعتماد دانش‌آموزان را جلب کند؟

بررسی و تحلیل واکنش‌های دانش‌آموزان به الگوی جنسیتی ارائه‌شده در کتاب: نوع واکنش دانش‌آموزان به این کتاب به‌عنوان مخاطب اصلی آن می‌تواند شاخص مهمی در ارزیابی موفقیت این ابزار آموزشی و حتی در نگاهی کلان‌تر آموزش و پرورش به‌عنوان ابزار جامعه‌پذیری حاکمیت باشد. هرچه شکاف میان ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی در کتاب با انتظارات دانش‌آموزان بیشتر باشد امکان مقاومت دانش‌آموزان در مقابل گفتمان رسمی بالاتر می‌رود.

درک میزان لزوم اصلاح و بهینه‌سازی فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی در مدرسه: مدرسه یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری جنسیتی است و ارزیابی دانش‌آموزان می‌تواند شکاف‌های موجود و موانع اثرگذاری نهاد مدرسه را در تربیت جنسیتی نسل جدید روشن کند. فهم ابعاد ناکارآمدی ابزارهای آموزشی در نظام آموزش و پرورش گامی اساسی در شناسایی چالش‌های موجود و بهینه‌سازی نقش کتاب در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی است.

بدین ترتیب، پرسش‌های اصلی این مقاله عبارت‌اند از: کدام انتظارات هنجاری زنانگی و مردانگی در کتاب‌های «مدیریت خانواده و سبک زندگی» و ویژه دختران و پسران ارائه شده‌است؟؛ الگوهای رفتاری جنسیتی به چه شکلی ارائه شده‌است؟ و کدام یک از ارزش‌های زنانگی و مردانگی در کتاب بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌است؟؛ تقسیم کار جنسیتی و نقش جنسیتی در کتاب چه الگویی را نشان می‌دهد؟

پویایی‌های قدرت در بین دو جنس چه الگویی دارد؟ و دانش‌آموزان الگو و هنجارهای جنسیتی کتاب را چگونه صورت‌بندی معنایی می‌کنند و آیا این کتاب پاسخگوی دغدغه‌ها و مطالبات جنسیتی نسل جدید هست؟

۲. پیشینه پژوهش

برنامه درسی دو بعد آشکار و پنهان را در برمی‌گیرد. اصلی‌ترین عامل در برنامه درسی آشکار کتب درسی هستند. تقریباً اکثر پژوهش‌هایی که در حوزه جنسیت و کتب درسی در ایران انجام شده‌اند، نشان داده‌اند که حضور مردان در کتب درسی پررنگ‌تر است. تعداد تصاویر مردان در کتاب‌ها غلبه دارد و آن‌ها بیشتر در موقعیت‌های شغلی مختلف نشان داده شده‌اند. درحالی‌که زنان بیشتر در خانواده و به‌عنوان مادر به‌تصویر کشیده شده‌اند (تیاراکانیتا و همکاران ۲۰۲۱، فروتن ۲۰۱۲، تیلور ۲۰۰۳، بوگ ۲۰۰۲).

هویت جنسیتی همیشه جزء موضوعات مورد توجه پژوهشگران است. در جدیدترین پژوهش با عنوان «بازنمایی هویت‌های جنسیتی در کتب درسی دوره متوسطه دوم» (مهدیار و همکارانش، ۱۴۰۲) نشان داده شده که در کتب درسی متوسطه دوم هویت جنسیتی سنتی برای زنان به‌عنوان الگوی موفق و نمونه زن بازنمایی شده‌است. همچنین این کتب درصدد طبعی‌سازی نقش‌های جنسیتی سنتی بوده‌است و تلاش کرده تا با مطلوب نشان دادن این نقش‌ها، حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان را به صورت امری فرعی نشان دهد.

علیمددی و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله «بازنمایی جنسیتی در کتاب انگلیسی دوره دوم متوسطه دبیرستان از منظر مؤلفه‌های نگاه نابرابر و تبعیض‌آمیز به زنان»، دریافتند که نابرابری و تبعیض جنسیتی در این کتب وجود دارد و نتایج نشان از وجود رویکردی سنتی و کلیشه‌ای نسبت به زنان در کتب درسی داشته‌است.

نتایج مقاله «تحلیل محتوای کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدائی» نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی حامل کلیشه‌های جنسیتی مثبت‌اند که برای سلامت جامعه ضروری است و بازتاب باورهای ذهنی و کلیشه‌ای مغایر با سنت اسلامی و الهی در کتاب‌های درسی دیده نمی‌شود (نام‌آور و اله‌دادی، ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش «بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر» نشان می‌دهد که کلیشه‌های جنسیتی بسیاری در این کتاب‌ها وجود دارد که نشان‌دهنده برتری مردان در فعالیت‌های عملی و فنی است و زنان به مثابه جنس دوم نشان داده شده‌اند. عمده‌ترین فعالیت‌های زنان در کتاب مربوط به فعالیت‌های خانگی است و کمترین آن مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است (مهران و همکارانش، ۱۳۹۶).

پژوهش «مطالعه میان‌فرهنگی جامعه‌پذیری جنسیتی در نیوزیلند و ایران» (فروتن، ۱۳۹۵)، مهم‌ترین ویژگی‌ها و الگوهای مرتبط با بازنمایی فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی را مورد بررسی قرار داده‌است. تأکید این مطالعه بر محیط‌های آموزشی و سیستم‌های آموزشی است. تحلیل این مطالعه از منابع آموزشی دو کشور ایران و نیوزیلند است و به‌طور کلی نتایج و یافته‌های این مطالعه نشان‌دهنده که الگوهای بازنمایی جنسیتی به‌طور معناداری تابعی از فضاهای فرهنگی هر کشور است. همچنین الگوی هژمونی مردانه و ارزش خانواده فراتر از فضاهای فرهنگی گوناگون از طریق سیستم‌های آموزشی بازنمایی می‌شود. البته این الگو هژمونی مردانه در منابع آموزشی ایران به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر از منابع آموزشی نیوزیلند بوده‌است.

نوروزی و همکارانش (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های جنسیتی» به این نتایج دست یافتند. حدود ۶۰ درصد تصاویر مربوط به مردان و ۴۰ درصد مربوط به زنان است. زنان بیشتر در نقش مادری و معلمی و پرستاری و مردان بیشتر عهده‌دار مشاغل تخصصی، سخت و حرفه‌ای بوده‌اند.

مطالعه «خوانش دانش‌آموزان دختر از کدهای پوشش مدرسه در دبیرستان‌های دخترانه تهران» (فاضلی و مزین، ۱۳۹۲)، نشان داده خوانش مسلط دانش‌آموزان، خوانش مجادله‌ای بوده که دارای دو سویه عدم‌پذیرش قوانین پوشش در مدرسه اما کنار آمدن با آن و دیگری پذیرش قوانین پوشش در مدرسه و انتقاد به شیوه اجرای آن است. این دانش‌آموزان فضای مدرسه را به علت سیاست‌های سختگیرانه و غیرمنعطف آن ملال‌آور توصیف کرده‌اند.

تحقیقات خارجی متعددی نیز در این زمینه انجام شده‌است. پارا (۲۰۲۴) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل محتوای کیفی، بررسی بازنمایی جنسیتی در کتاب‌های درسی زبان منتشر شده توسط هیئت آموزش مدارس جامو و کشمیر» به بررسی نسبت حضور زنان و مردان، نقش‌ها و فعالیت‌های اختصاص داده‌شده به آن‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان داد تعصب به نفع مردان هنوز در برنامه درسی اصلی وجود دارد. ظاهر مردان در متن و عناوین نوشتاری غالب است. زنان در نقش‌ها و فعالیت‌های کلیشه‌ای جنسیتی خود نشان داده می‌شوند.

گیچوت و سیرا (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی ریاضی دوره ابتدایی اسپانیایی» دریافتند که در برنامه درسی زنان به‌عنوان الگوهای واقعی دیده نمی‌شوند که این امر می‌تواند باعث کاهش عزت‌نفس دختران و کاهش انگیزه آنان در پیگیری مشاغل علمی و فناوری منجر شود.

در پژوهشی که استرامکوئیست در سال ۲۰۰۷ با عنوان «فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی در مدرسه» انجام داده، ابعاد پویایی‌های معلم‌محور، برنامه درسی رسمی، محیط مدرسه، تأثیر گروه همسالان و معلمان را مورد مطالعه قرار داده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مدرسه میدانی برای تقویت انتظارات فرهنگی درباره زنانگی و مردانگی و برنامه درسی به‌نوعی آموزش جنسیتی است.

فرانک تیلور (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوا و قالب‌های جنسیتی در کتاب‌های کودکان» بیان می‌کند که در این کتاب‌ها مردان شخصیت قوی و پر از تعقل و زنان شخصیت ضعیف‌تر و مطیع‌تر دارند. مادران در حال تمیزکاری و آشپزی و پدران در حال انجام کارهای سخت نشان داده شده‌اند.

۳. تاملات نظری

نظام آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش کلیدی در فرآیند جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. مدرسه نه تنها وظیفه انتقال دانش و مهارت‌های علمی را برعهده دارد بلکه ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای قدرت جامعه را نیز به نسل جدید منتقل می‌کند. از منظر نظریه‌های کارکردگرایانه، مدرسه ابزار حفظ نظم موجود و ایجاد انسجام اجتماعی و بازتولید ارزش‌های مشترک است. به اعتقاد دورکیم نسل بالغ از طریق آموزش و پرورش بر کسانی که هنوز آماده حضور در جامعه و زندگی اجتماعی نیستند، تأثیر می‌گذارد. آموزش و پرورش درصدد تقویت و رشد جسمانی، فکری و اخلاقی در کودک است که منطبق بر انتظارات جامعه و محیط کودک باشد. به‌سختی دیگر، دورکیم وظیفه آموزش و پرورش را وارد کردن و جا دادن فرد در نظام اجتماعی می‌داند (شارع پور، ۱۳۹۴).

اما دیدگاه‌های انتقادی بر این نکته تأکید دارند که آموزش و پرورش نهادی بی‌طرف نیست بلکه با بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و جنسیتی ساختار قدرت مسلط را تداوم می‌بخشد و به‌قول آلتوسر این مدرسه است که نقش مسلط را برعهده دارد. او مدرسه را به‌مثابه یکی از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت معرفی می‌کند که ارزش‌ها و ایدئولوژی مسلط را درونی می‌کند (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۵۲). بورديو در نظریه بازتولید فرهنگی خود نشان می‌دهد که مدرسه از طریق سرمایه فرهنگی و برنامه‌های درسی به بازتولید نابرابری و تثبیت موقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد. مدرسه با طبیعی نشان دادن ارزش‌ها و سلیقه‌های طبقه مسلط امکان بازتولید سلطه را فراهم می‌کند. اما این بدان معنا نیست که ساختار سلطه دائمی و پایدار است. جامعه‌پذیری در عین حال که باعث تداوم ساختار سلطه می‌شود، امکان مقاومت در مقابل آن را نیز فراهم می‌کند (بورديو و پاسرون، ۱۹۷۷).

در این میان برنامه درسی آشکار اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. برنامه درسی آشکار شامل همان محتوا و مفاهیم رسمی است که در کتاب‌های درسی تدوین می‌شود. اساساً بیشتر صاحب‌نظران در حوزه مطالعات برنامه درسی، کتب درسی را خنثی و بی‌طرف نمی‌بینند. در حالی که متفکران کارکردگرا برنامه درسی را ابزار انتقال ارزش‌ها، انتظارات جنسیتی و نقش جنسیتی به نسل‌های بعد می‌دانند که در بستر نظام آموزش تحقق می‌یابد (گودن و گودن، ۲۰۰۱)، رویکردهای انتقادی معتقدند برنامه درسی امری کاملاً سیاسی و ایدئولوژیک هستند. نظریه‌پردازان این رویکرد همچون هنری ژيرو و مایکل اپل معتقدند برنامه درسی به‌صورتی آگاهانه نقش‌های جنسیتی خاصی را به دختران و پسران ارائه می‌کند (اپل، ۲۰۰۴). ژيرو معتقد است محتوایی که در مدارس تدریس می‌شود و روش‌هایی که برای آموزش آن استفاده می‌شود، آغشته به ارزش‌های ایدئولوژیک است. ژيرو در مورد اینکه چگونه برنامه درسی اغلب هنجارها و آگاهی فرهنگی غالب را منعکس و تقویت می‌کند و دیدگاه‌های جایگزین و تفکر انتقادی را به حاشیه می‌برد، بحث می‌کند. او معتقد است برنامه درسی امکان مقاومت و تفسیرهای متفاوت را نیز فراهم می‌کند (ژيرو، ۱۹۸۸).

جامعه‌پذیری جنسیتی یکی از عرصه‌های مهمی است که در کتاب‌های درسی بازتاب می‌یابد. جامعه‌پذیری جنسیتی شکلی تمرکز یافته از جامعه‌پذیری است که بر چگونگی جامعه‌پذیر شدن افراد هر جنس نسبت به نقش‌های جنسیتی و یادگیری آنچه به هویت جنسیتی یا معنای مرد یا زن بودن است، دلالت دارد. افراد با جنس زیست‌شناختی خود متولد می‌شوند اما جنسیت یا همان مردانگی و زنانگی در تعاملات اجتماعی بروز می‌یابد و هویت جنسیتی آن‌ها را شکل می‌دهد. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که زنانگی و

مردانگی مفاهیمی ذاتی نیستند بلکه در فرآیند اجتماعی شدن و متأثر از جامعه‌پذیری به افراد منتقل می‌شوند (رفعت‌جاه و رهبری، ۱۳۹۳: ۳۱۲). همانطور که وست و زیمرمن (۱۹۸۷: ۱۲۶) در مفهوم «انجام جنسیت»^۱ یا جودیت باتلر (۱۹۹۰) در مفهوم «نمایش جنسیت»^۲ معتقدند تفاوت میان زن و مرد امری ذاتی نیست بلکه مخلوق اجتماعی است و هویت جنسیتی نتیجه تعاملات اجتماعی و تجربیات روزمره است.

در بسیاری از متون درسی نقش‌های زنانه و مردانه، انتظارات اجتماعی از زنان و مردان به‌طور واضحی ارائه شده‌است. تقسیم کار جنسیتی مفهوم کلیدی در این زمینه است. کارکردگرایان معتقدند تقسیم کار جنسیتی برای پایداری نظام اجتماعی لازم و مکمل است (پارسونز، ۱۹۵۵). اما رویکردهای انتقادی و فمینیستی تقسیم کار را حاصل ساختارهای قدرت و نابرابری می‌دانند. در کتاب‌های درسی این تقسیم کار اغلب به شکل بازنمایی مشاغل و مسئولیت‌های متفاوت برای زنان و مردان جلوه می‌کند و از این طریق به تثبیت هنجارهای جنسیتی می‌انجامد. این گروه اعتقاد دارند برنامه درسی به‌شکلی آشکار نقش‌های جنسیتی خاصی را به زنان و مردان نسبت می‌دهد (اپل، ۲۰۰۴: ۴۵). آن‌ها معتقدند مدارس ایدئولوژی جنسیتی را از طریق کدهای جنسیتی (تیلور، ۲۰۰۳) در دانش‌آموزان درونی می‌کنند.

با این حال، دانش‌آموزان صرفاً گیرنده‌های منفعل این پیام‌ها نیستند. براساس نظریه‌های مقاومت فراگیران می‌توانند در برابر پیام‌های مسلط مقاومت کنند و معانی متفاوتی از متن بسازند (ژیرو، ۱۹۸۳). استوارت هال در مدل رمزگذاری^۳ و رمزگشایی خود (۱۹۷۳) نیز نشان می‌دهد که مخاطبان می‌توانند متون را به سه شیوه بخوانند: خوانش مسلط^۴ (پذیرش پیام)، خوانش مذاکره‌ای^۵ (تطبیق پیام با تجربیات خود) و خوانش مخالف^۶ (رد یا بازتفسیر پیام). بنابراین خوانش دانش‌آموزان از کتاب‌های درسی نیز می‌تواند متکثر و متأثر از زمینه‌های فرهنگی و تجربیات زیسته آنان باشد.

براین اساس، در این پژوهش با رویکرد جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و جامعه‌شناسی جنسیت، کتاب‌های درسی به‌مثابه متونی ایدئولوژیک در نظر گرفته می‌شوند که نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی را بازنمایی کرده و از طریق برنامه درسی آشکار به فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی کمک می‌کنند. در عین حال خوانش‌های دانش‌آموزان از این متون می‌تواند نشان‌دهنده مقاومت‌ها و تفسیرهای بدیل باشد که در بستر فرهنگی شکل می‌گیرد. چنین تحلیلی می‌تواند به درک عمیق‌تر از رابطه میان نظام آموزشی، جنسیت و بازتولید یا تغییر ارزش‌ها و هنجارهای جنسیتی بینجامد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی استقرائی است. تحلیل محتوای کیفی برخلاف تحلیل محتوای کمی توجه کمی به اعداد و ارقام دارد. سیوفانگ و شنون تحلیل محتوای کیفی را ابزار درک معانی و تفاسیر پنهان در متن می‌دانند که به واسطه فرآیند طبقه‌بندی منظم مضامین و الگوهای کدگذاری شده در متن تحقق می‌یابد. مایرینگ نیز این روش را فرآیندی می‌داند که به

1 . Doing Gender

2 . Gender Performativity

3 . Encoding

4 . Dominant/Hegemonic Decoding

5 . Negotiated Decoding

6 . Oppositional Decoding

منظور تحلیل کنترل شده و روش مند متون در زمینه خاص شان مورد استفاده قرار می گیرد. اتکای این روش پژوهشی بر پارادایم های تفسیری - برساختی است (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

بدین منظور با بهره از نمونه گیری هدفمند در میان کتب درسی، کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» که به صورت متمرکز به موضوع جامعه پذیری جنسیتی پرداخته، انتخاب شد. این کتاب از سال ۱۳۹۷ وارد برنامه درسی دوره متوسطه دوم شده و دارای مجلد ویژه دختران و پسران است. در این مقاله هر دو کتاب مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. واحد تحلیل، مضمون است و همه مضامین مرتبط با جامعه پذیری جنسیتی مورد نظر قرار گرفته است. تحلیل داده ها و فرآیند کدگذاری به کمک نرم افزار مکس کودا انجام شده است.

همچنین، در جهت جمع آوری داده های مرتبط با ارزیابی خوانش دانش آموزان از کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» با ده نفر از دانش آموزان دختر کلاس دوازدهم مصاحبه عمیق انجام شده است. داده های به دست آمده پس از پیاده سازی با کمک نرم افزار مکس کودا کدگذاری شد و در نهایت مقولات اصلی استخراج گردید. در جدول زیر مشخصات دانش آموزان ارائه شده است:

جدول ۱. اطلاعات مصاحبه شوندگان

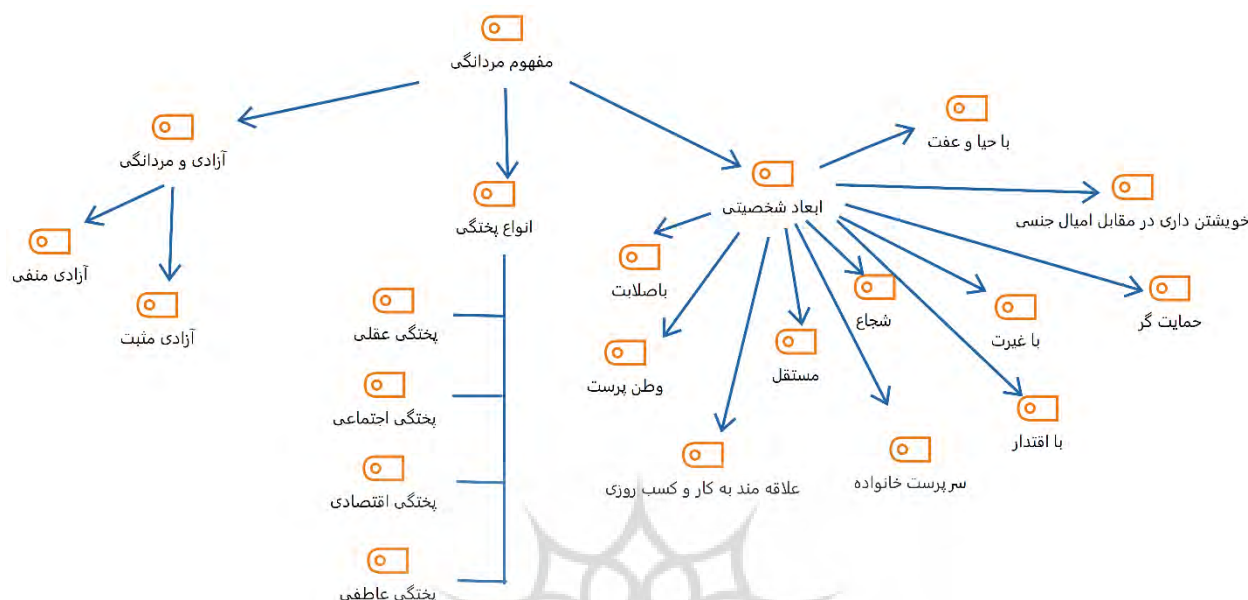
اسامی مستعار	نوع مدرسه	رشته تحصیلی	اسامی مستعار	نوع مدرسه	رشته تحصیلی
۱ فرنوش	دولتی	علوم انسانی	۶ زهرا	نمونه دولتی	علوم انسانی
۲ رها	دولتی	علوم تجربی	۷ رضوانه	دولتی	علوم انسانی
۳ آناهیتا	نمونه دولتی	ریاضی فیزیک	۸ آرمیتا	نمونه دولتی	ریاضی فیزیک
۴ فاطمه	دولتی	علوم انسانی	۹ باران	دولتی	ریاضی فیزیک
۵ بهناز	دولتی	علوم انسانی	۱۰ ریحانه	نمونه دولتی	علوم تجربی

۵. یافته های پژوهش

در این بخش ابتدا به الگوی بازنمایی ارزش های جنسیتی، نقش جنسیتی و روابط قدرت و عاملیت در دو کتاب مدنظر پرداخته سپس در ادامه ضمن ارائه مقولات اساسی به دست آمده از تحلیل مصاحبه های انجام شده با دانش آموزان به خوانش دانش آموزان دختر از کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» می پردازیم.

۵-۱. الگوی بازنمایی ارزش های جنسیتی

در هر دو کتاب ارزش های جنسیتی مورد نظر مدرسه برای پسران و دختران ارائه شده است یعنی در کتاب ویژه پسران ارزش های جنسیتی هنجارمند مردانه و زنانه و در کتاب ویژه دختران نیز ارزش های جنسیتی مردانه و زنانه ارائه شده است. در تحقیق حاضر این ارزش ها در زیر عنوان مردانگی و زنانگی مفهوم سازی شده است. نمودار شماره یک ابعاد مدل سازی شده مفهوم مردانگی در کتاب ویژه پسران در نرم افزار مکس کودا را نشان می دهد.

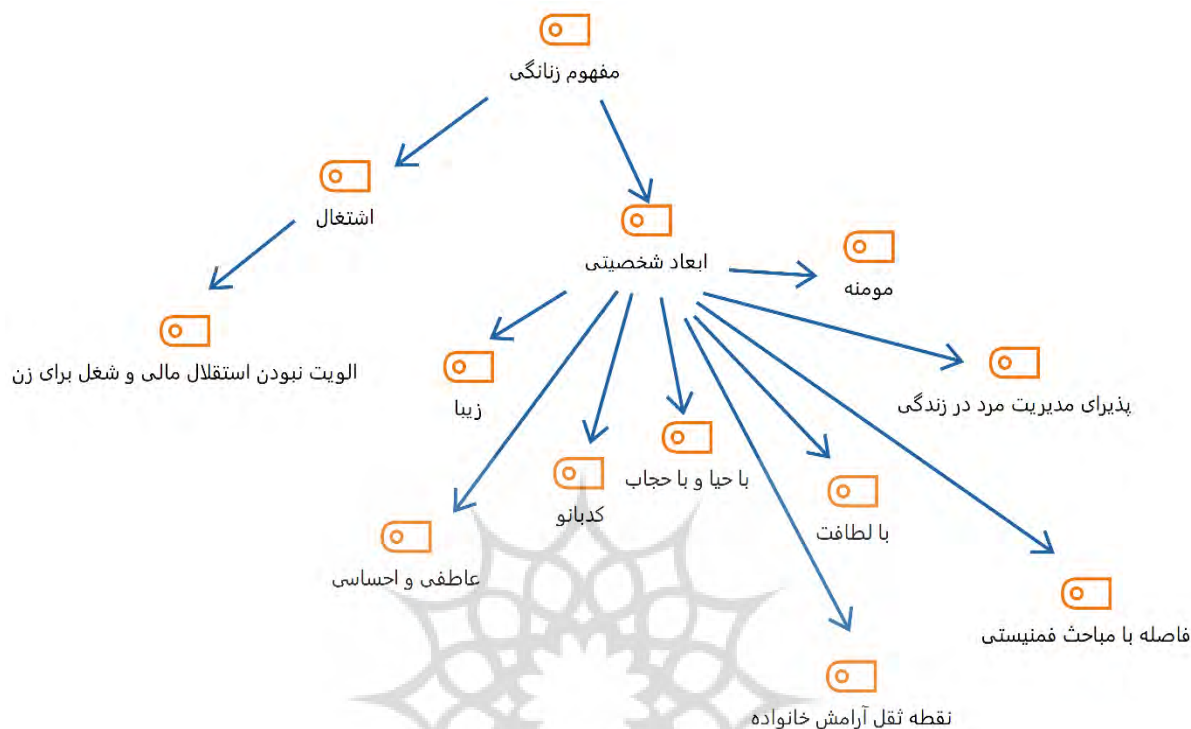


شکل ۱. الگوی بازنمایی ارزش‌های جنسیتی مردانه در کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه پسران

مفهوم مردانگی در کتاب شامل سه زیرعنوان اصلی ابعاد شخصیتی، پختگی و آزادی می‌شود. ابعاد شخصیتی مردانه در سراسر کتاب با مفاهیمی چون غیرت و شجاعت، صلابت، اقتدار، خویشتن‌داری در مقابل امیال جنسی، مسئولیت در حمایت و سرپرستی از خانواده، وطن‌پرستی، استقلال، علاقه به کار و کسب درآمد بازنمایی شده‌است. در میان شاخص‌های مرتبط با ابعاد شخصیتی مردانگی بالاترین تکرار مربوط به خویشتن‌داری در مقابل امیال جنسی و حیا (۳۱ کد)، غیرت (۱۱ کد)، اقتدار (۵ کد) است.

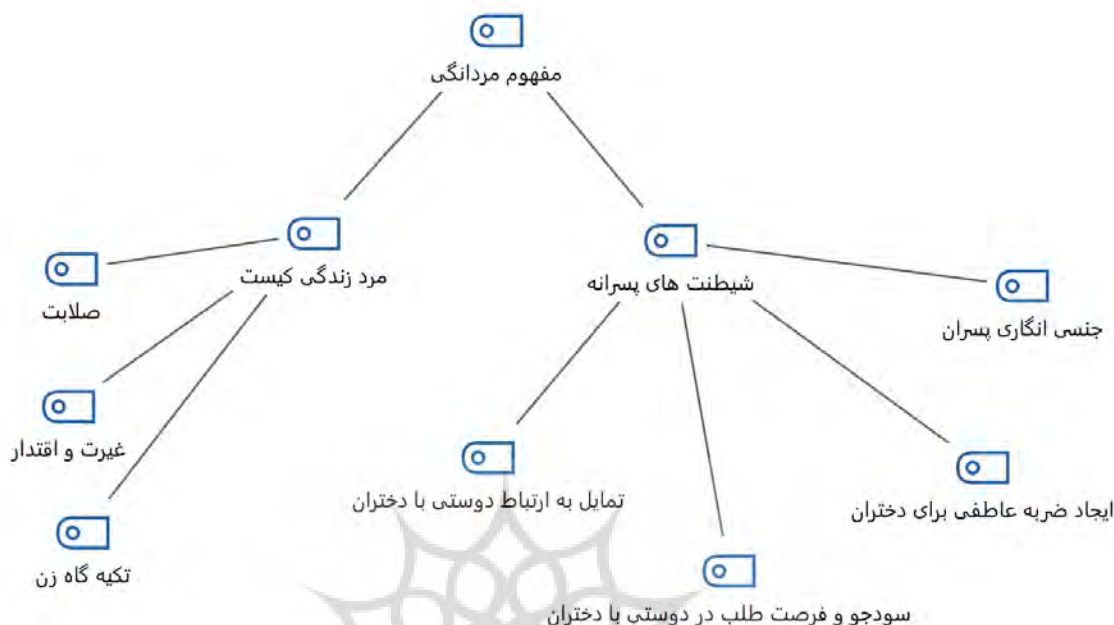
یکی از مفاهیمی که در هر دو کتاب بخش مهمی را به خود اختصاص داده‌است «مرد زندگی» و «زن زندگی» است. مرد زندگی علاوه بر ابعاد شخصیتی که گفته شد، انواع پختگی را نیاز دارد. بیشترین توجه در توصیف پختگی مرد زندگی شامل ابعاد عقلی (۲۴ کد) و سپس اجتماعی (۸ کد)، اقتصادی (۶ کد) و در نهایت عاطفی (۵ کد) است.

در نهایت مفهوم آزادی از جمله مفاهیمی است که در کتاب ویژه پسران بارها تکرار شده‌است. اما با بررسی موقعیت‌هایی که مفهوم آزادی آورده شده می‌توان دو نوع آزادی را از یکدیگر منفک کرد. اول آزادی مثبت که از آن به‌مثابه حقی که خداوند به یکایک انسان‌ها عطا کرده نام برده می‌شود یا اینکه هیچ انسانی نباید احساس ظلم، فشار و محدودیت کند و هیچ انسانی نباید خود را بنده انسان دیگری بداند. در مقابل، آزادی منفی که به معنای پیروی از امیال خود و خودمحوری است. کتاب آزادی در دنیای غرب را از این سنخ می‌داند.



شکل ۲. الگوی بازنمایی ارزش‌های جنسیتی زنانه در کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه پسران

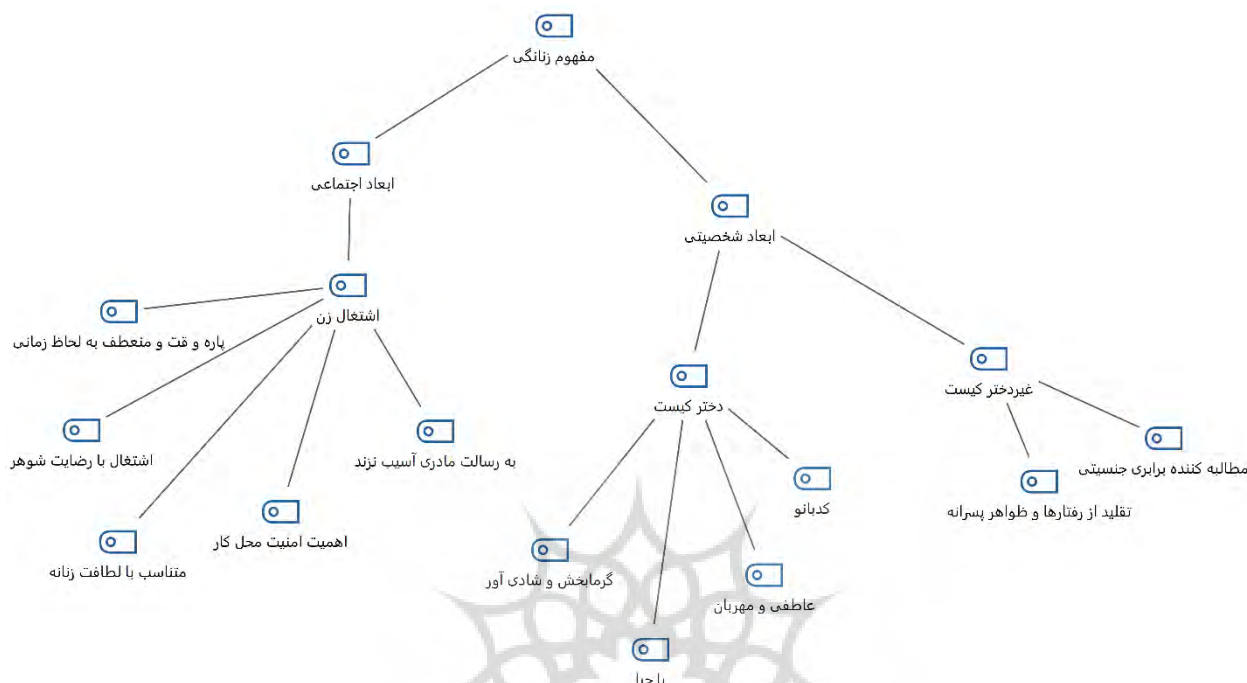
همانطور که در نمودار مشخص است، در کتاب ویژه پسران ارزش‌های جنسیتی زنانه با عنوان «زن زندگی» ارائه شده است. ابعاد شخصیتی زن زندگی مبتنی بر حیا و حجاب، لطافت و عاطفی بودن، پذیرش سرپرستی و اقتدار مردانه در خانواده، گرمابخش خانواده، کدبانو و توانمند در امور خانه‌داری، مومن و براءت‌جو از مباحث فمینیستی و برابری خواهانه معرفی شده است. بیشترین تکرار در کدهای مربوط به حیا و حجاب (۸ کد)، لطافت و ظرافت زنانه (۷ کد) و عاطفی و احساسی (۴ کد) بوده است. همچنین در مواردی که مرتبط با اشتغال زنان بحث شده، تأکید بر الویت خانه و خانواده زن است. حضور اجتماعی زنان پسندیده است تا جایی که به هویت جنسیتی اصلی آن‌ها آسیبی وارد نشود چرا که مسئولیت اصلی زنان اشتغال و کسب درآمد نیست. حال باید ببینیم در کتاب ویژه دختران ارزش‌های جنسیتی به چه شکلی برای زنان و مردان بازنمایی شده است.



شکل ۳. الگوی بازنمایی ارزش‌های جنسیتی مردانه در کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه دختران

کتاب ویژه دختران مرزی میان پسرانگی و مردانگی قائل شده‌است. هدف از این مرزبندی نیز آگاهی‌بخشی به دختران نسبت به تهدیدهای ناشی از ارتباط با جنس مقابل است. در کتاب می‌بینیم که هشدارهای متنوعی درباره تمایل پسران به شروع ارتباط با دختران داده شده‌است. این موضوع که پسران در دوره‌ای هستند که بیشتر تحت‌تأثیر هیجانات خود و گروه‌های دوستان ممکن است دست به شیطنت‌های مخصوص آن دوره بزنند. به نوعی مردان را در دوره نوجوانی با نگاهی جنسی مورد قضاوت قرار می‌دهد. حتی این نوع نگاه در کتاب ویژه پسران نیز قابل ردیابی است. تأکید بر عقل‌محوری به جای میل‌محوری و اهمیت خویش‌داری در مقابل امیال جنسی و مواردی از این دست نشان‌دهنده تسلط این نگاه در کتاب ویژه پسران نیز هست. در ادامه در کتاب ویژه دختران به این موضوع اشاره می‌شود که میل بیشتر پسران نسبت به برقراری ارتباط با دختران و سودجویی و فرصت‌طلبی آنهاست (۴ کد). که این نوع روابط بیشترین آسیب را متوجه دختران می‌کند. کتاب صریحاً اشاره می‌کند که دختران دوستی با جنس مقابل را مقدمه‌ای برای ازدواج و پسران آن را جایگزینی برای ازدواج می‌بینند و هدف پسران برای دوستی با دختران متفاوت است (۳ کد). در چندین بخش اشاره می‌شود که ضربات عاطفی ناشی از این نوع روابط برای دختران بسیار بالاتر و بیشتر از پسران است مضاف بر اینکه این نوع روابط در نگاه اجتماعی و در فرهنگ کشور ما برای دختران بی‌آبرویی بیشتری به همراه دارد و در نهایت آسیب‌های جسمانی نیز در این نوع روابط برای دختران وجود دارد که به نوعی در ازدواج آینده آن‌ها مشکل‌زا خواهد بود.

اما در مقابل، کتاب دختران را به ازدواج با مردان بزرگتر از خود تشویق می‌کند تا بتوانند تکیه گاهی برای آن‌ها باشند. مرد زندگی در کتاب ویژه دختران با دو مفهوم اصلی غیرت و اقتدار (۹ کد) و تکیه‌گاه خانواده (۴ کد) توصیف شده‌است.



شکل ۴. الگوی بازنمایی ارزش‌های جنسیتی زنانه در کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه دختران

مفهوم زنانگی در کتاب ویژه دختران با ابعاد گسترده‌ای به تصویر کشیده شده‌است اما اگر بخواهیم مهم‌ترین و پرتکرارترین ابعاد این مفهوم را مدنظر قرار دهیم، به ابعاد شخصیتی و اجتماعی زنانگی می‌رسیم. از آنجا که کتاب به‌صورت داستانی و با تصویر کردن شخصیت‌های مختلف در تلاش است تا الگوهای رفتاری و اعتقادی درست از زنانگی را نشان دهد، در اینجا با دو نوع الگوی رفتاری رو به رو می‌شویم: الگوی رفتاری دخترانه و الگوی رفتاری غیردخترانه.

دختر کیست؟ دختر کسی است که دارای حس قوی دخترانه است و آن را بروز می‌دهد. دخترانی که از رفتارهای پسرانه تقلید می‌کنند، حس دخترانه خود را سرکوب می‌کنند و رفتارهای غیردخترانه نشان می‌دهند. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های دختر بودن، مهربان و عاطفی بودن (۵۳ کد)، گرمابخش و شادی آور (۲۰ کد)، با حیا (۱۱ کد) و کدبانو (۹ کد) عنوان شده‌است. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که زن در خانواده باعث تحکیم روابط اعضای خانواده شود و او نقطه ثقل ایجاد و حفظ صمیمیت در خانواده باشد. باحیا بودن در کنار زیبایی‌هایی که خداوند به زنان بیشتر از مردان داده‌است، در نظر گرفته شده و به‌طور صریح بیان می‌شود که خداوند نه برابر مردان به زنان حیا داده‌است. در نهایت کدبانو بودن مهم‌ترین مهارت برای زنان در جهت انجام نقش جنسیتی آن‌ها در نظر گرفته شده‌است و در سراسر کتاب به‌طور آشکار و ضمنی به این موضوع اشاره می‌شود. برای مثال چندین تصویر در کتاب زنی را نشان می‌دهد که در حال انجام کارهای منزل است و یا دختری که در انجام وظایف خانه به مادر خود کمک می‌کند.

کتاب ویژه دختران نیز انواع پختگی برای ازدواج و زندگی مشترک را همانند کتاب ویژه پسران مطرح نموده که این موارد تقریباً در هر دو کتاب یکسان هستند بجز تأکیدی که بر عاطفی بودن بیشتر زن و باحیا بودن بیشتر او نسبت به مردان در کتاب ویژه دختران و تأکیدی که بر اقتدار و کسب درآمد در کتاب ویژه پسران وجود دارد.

در برابر تعاریفی که از دختر بودن ارائه می‌شود، مقوله دیگری هم وجود دارد که از الگوی دخترانگی خارج است. دختری که این ویژگی‌ها را داشته باشد به هویت دخترانه خود آسیب وارد می‌کند. این موارد می‌تواند شامل ویژگی‌های ظاهری چون سبک پوشش، رنگ لباس و شیوه صحبت کردن باشد و یا اینکه وارد سطح ارزشی و اعتقادی فرد بشود. برای مثال دختری که لباس‌های پسرانه می‌پوشد و رفتارهای پسرانه از خود نشان می‌دهد از هویت دخترانه خود منحرف شده‌است. اگر دختری ظاهر و رفتاری دخترانه و تفکرات فمینیستی داشته باشد و یا برابری جنسیتی را مطالبه کند او نیز دچار انحراف جنسیتی شده‌است. دختر کسی است که آنچه خداوند به او عطا نموده را می‌پذیرد و محدودیت‌هایی که دارد را نیز خواست خداوند و اسباب کمال خود می‌داند.

یکی از ابعاد مهم در توصیف مفهوم زنانگی در کتاب ویژه دختران، بعد اجتماعی آن است که بیشترین تجلی خود را در اشتغال پیدا می‌کند. در این کتاب آخرین درس به بُعد اشتغال زن پرداخته‌است و داستان زنی است که به علت مشغله‌های کاری زیاد از توجه و رسیدگی به خانواده و به‌خصوص فرزندش بازمانده‌است. در این درس شاخص ارزیابی اشتغال مناسب و نامناسب زنان ارائه و در کنار این شاخص‌ها نکاتی نیز گوشزد شده‌است. از جمله مهم‌ترین نکات در ارتباط با اشتغال زنان متأهل این است که نباید استقلال مالی زن تهدیدکننده اقتدار مرد و جایگاه او در خانواده باشد. همچنین بهتر است ازدواج زود هنگام صورت پذیرد تا دختر بهتر برای آینده خود برنامه‌ریزی کند و محل تحصیل و رشته تحصیلی خود را متناسب با شرایط زندگی متأهلی خود انتخاب کند. زیرا طبق الگوی نقش جنسیتی در کتاب رسالت زنان مادری و نگهداری از فرزندان و گرم نگه داشتن خانه و خانواده است و بعد درس و اشتغال. کتاب به این جمله در صفحه ۱۰۴ اشاره می‌کند که مسیر زندگی یک پسر را اشتغال او و مسیر زندگی یک دختر را ازدواج او مشخص می‌کند. بنابراین الویت یک دختر خانواده است اما این به معنای محرومیت او از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نیست.

آنچه اهمیت دارد این است که همه مشاغل و رشته‌های تحصیلی مناسب زنان نیست و آن‌ها باید در انتخاب شغل خود به موارد مهمی توجه کنند تا در زندگی خانوادگی آن‌ها اختلال ایجاد نشود. اول اینکه زمان‌بندی شغل برای زنان باید منعطف باشد بنابراین مشاغل رسمی و یا مشاغلی که انعطاف زمانی ندارند مناسب زنان نیست. بهتر است شغل آنان به صورت پاره‌وقت باشد تا لطمه‌ای به وظایف زن در خانه‌داری و فرزندپروری وارد نکند. مشاغلی که متناسب با شرایط زنان نیست بهتر است به مردان سپرده شود زیرا مردان بیشتر نیازمند فرصت‌های شغلی هستند. زنان متأهل باید با مشورت همسر و رضایت او اقدام به پذیرش یک شغل کنند و در نهایت اینکه شغل زنان نباید لطمه‌ای به لطافت و زیبایی آن‌ها بزند.

۵-۲. الگوی بازنمایی نقش جنسیتی

نقش‌های جنسیتی می‌توانند به چندین بُعد تقسیم شوند. این ابعاد شامل مسئولیت‌های خانه‌داری، تربیت فرزندان و تأمین مالی است. در بسیاری از جوامع، زنان مراقبان اصلی خانواده و مردان به‌عنوان تأمین‌کنندگان مالی شناخته می‌شوند (کاوه فیروز و همکاران، ۱۴۰۴). از این رو، نقش‌های جنسیتی در بستر مفهوم تقسیم کار معنا پیدا می‌کند. تقسیم کار جنسیتی به شکل سنتی با نمایش نقش مرد به‌عنوان نان‌آور و سرپرست خانواده و نقش زن به‌عنوان خانه‌دار و پرورش‌دهنده فرزندان شناخته شده‌است. اما با ورود جوامع به دنیای مدرن و افزایش گرایش زنان به اشتغال و استقلال مالی برخی از الگوهای نقش جنسیتی سنتی رنگ باخته است. حال سؤالی که در این بخش برای ما مطرح است این است کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه دختران و پسران کدام الگوی نقش جنسیتی را ارائه می‌کند و عناصر دنیای مدرن در این کتاب چگونه بازنمایی شده‌است؟

الگوی تقسیم کار جنسیتی سنتی در هر دو کتاب غالب است. ۱۶ کد در کتاب پسران به توصیف نقش جنسیتی مردانه پرداخته که هسته مرکزی آن مرد به عنوان مسئول مالی خانواده و کسب روزی حلال و تصمیم‌گیرنده نهایی در خانه است. این موضوع در بخش‌هایی که بر اهمیت انتخاب رشته و شغل در آینده، اهمیت کسب اعتبار اجتماعی و اهمیت استقلال مالی تأکید می‌کند، خود را نشان می‌دهد. در خانه ماندن جایگاه مرد زندگی را کاهش می‌دهد (رجوع کنید به صفحه ۹۰ کتاب ویژه پسران). مرد نباید از همسرش توقع داشته باشد که در تأمین مالی خانواده مشارکت کند که در این صورت او تقسیم کار خانواده را بهم زده است. در تحکیم این تفکر، بیان می‌شود که یکی از ویژگی‌های پسران علاقه ذاتی آن‌ها به کار کردن و کسب درآمد و حمایت مالی از خانواده است. نفقه به عنوان وظیفه مرد در تأمین مالی همسر از جمله دیگر نشانه‌های نقش جنسیتی مرد به عنوان نان‌آور است که در کتاب به آن اشاره شده است.

در کتاب ویژه دختران مفهوم نقش جنسیتی به شکلی ضمنی در شخصیت‌های مختلف داستان‌ها به تصویر کشیده شده است و به طور غیرمستقیم با نشان دادن موقعیت‌های آسیب‌زای آن‌ها این الگوهای نقشی مورد انتقاد قرار گرفته است و به نوعی جز الگوهای نامناسب معرفی شده‌اند. در کتاب شخصیت دخترانی به تصویر کشیده شده که با هویت جنسیتی خود دچار تعارض شده‌اند و همین امر موجب بهم‌ریختگی روابط اجتماعی آن‌ها و درک از خودشان شده است و در مقابل دخترانی که با پذیرش هویت جنسیتی خود به بهترین شکل در جامعه نقش بازی می‌کنند.

تحلیل شخصیت‌های داستانی کتاب نشان می‌دهد که نقش جنسیتی دختر در خانه مضاف بر مسئولیت‌های فرزندی مانند احترام به والدین شامل مسئولیت‌های اختصاصی نیز می‌شود که عبارت‌اند از: کمک به مادر در کارهای خانه به عنوان دختر خانه و کسب آمادگی برای ازدواج و تمرین کدبانوگری، تحکیم روابط اعضای خانواده و کمک به حفظ صمیمیت و حل اختلافات در خانه، پیروی از رویه‌های ازدواج سنتی و پذیرش نظارت و راهنمایی پدر و مادر در انتخاب همسر، الویت دانستن ازدواج و نقش خانه‌داری و رسالت مادری نسبت به اشتغال و کسب درآمد. نقش مادر در خانواده نیز با تسلط بر امور خانه‌داری، پذیرش اقتدار پدر، لطافت و مهربانی نسبت به فرزندان توصیف شده است.

۵-۳. الگوی بازنمایی روابط قدرت و عاملیت

پویایی‌های قدرت در کتاب دارای الگوی ثابت و آشکاری است. تقسیم قدرت در میان نقش‌ها مبتنی بر الگوی سنتی روابط قدرت در خانواده است. بیشترین قدرت و اقتدار به مرد بخشیده شده است. زیرا خداوند مرد را به واسطه ویژگی‌های جسمانی و روانی متناسب با نقش سرپرستی در خانواده آفریده است. بنابراین در سلسله‌مراتب روابط قدرت در خانواده مرد در بالاترین جایگاه قرار دارد. عاملیت او نیز در بالاترین حد خود قرار دارد به همین دلیل است که در کتاب ویژه پسران به صورت عامدانه درباره آزادی و اهمیت کنترل آن بحث شده است. بعد از پدر، مادر قدرت بیشتری نسبت به فرزندان در اختیار دارد.

۵-۴. خوانش دانش آموزان دختر از کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی»

تحلیل داده‌هایی که دانش‌آموزان در مصاحبه ارائه کرده‌اند ما را به مقوله اصلی «مقاومت نسبت به محتوای آموزشی جنسیتی» رساند. مهم‌ترین واکنش دانش‌آموزان نسبت به کتاب مقاومت در برابر موضع آموزه‌های جنسیتی کتاب بوده است. نکته اصلی که دانش‌آموزان در این بخش تصریح کردند شکاف عمیق میان جهان‌بینی کتاب و حقیقت زیست اجتماعی آنان است.

جدول ۲. مقوله اصلی و زیرمقولات به دست آمده از ارزیابی خوانش دانش‌آموزان دختر از کتاب

مقوله اصلی ارزیابی خوانش دانش‌آموزان دختر از کتاب	زیرمقولات
مقاومت دانش‌آموزان نسبت به محتوای آموزشی جنسیتی	واکنش‌های احساسی
	اقدامات مقابله‌ای
	اعتراض فعال

اولین و مهم‌ترین مقوله‌ای که از داده‌های دانش‌آموزان دختر به دست آمده است، بحث مقاومت و اعتراض آن‌ها نسبت به محتوای آموزشی در این کتاب است. مقاومت دانش‌آموزان در اشکال مختلفی بروز پیدا کرده است:

واکنش‌های احساسی: شامل عصبانیت، بی‌حوصلگی، یا تمایل به ترک کلاس
اقدامات مقابله‌ای: مانند تلاش برای حذف درس یا تغییر کاربری کلاس به موضوعات مرتبط با کنکور
اعتراض فعال: بحث و جدل در کلاس، اعتراض با صدای بلند و نقد صریح محتوای کتاب
احساسی که دانش‌آموزان در مواجهه با کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» توصیف کرده‌اند عموماً احساس نارضایتی و ناخوشایندی شدید است. آن‌ها معتقد بودند که نه تنها محتوای کتاب از واقعیت‌های زندگی یک نوجوان و دغدغه‌های یک دختر فاصله دارد، بلکه در تلاش است تا کلیشه‌های جنسیتی را بازتولید نماید و نقش‌های از پیش تعیین‌شده‌ای را بر آنان تحمیل کند. این امر باعث بروز احساس خشم، ناامیدی و سرخوردگی در کلاس شده بود. فرنوش دانش‌آموز کلاس دوازدهم در این باره می‌گوید: «واقعاً کتاب خیلی آدمو عصبانی می‌کرد کافی بود یه چیزی گفته بشه یهو میدیدی بچه‌ها می‌خواستن از کلاس برن بیرون دیگه تازه می‌تونم بگم که بچه‌های ما خیلی اون حسه بگیم احترام رو قائل می‌شدن و الا به نظر من بچه‌های سال پایینی بیان دوازدهم همون جا شاید کتابو بزنن تو صورت کسی که این حرفای کلیشه‌ای رو می‌زنه.»

اظهارنظر این دانش‌آموز نشان‌دهنده شدت نارضایتی و میزان واکنش احساسی آن‌ها در مقابل محتوای کتاب است. این احساس نارضایتی در کنار احساس بیگانگی منجر به اتخاذ روش‌هایی برای کاهش زمان کلاس توسط دانش‌آموزان می‌شده است. به گفته یکی از دانش‌آموزان: «کلاً یه زنگ بیشتر نبود برای مدیریت خانواده که اونم همیشه بچه‌ها سعی می‌کردن بیچون که آخر سر اینطوری قرار شد که مثلاً نیم ساعته این کلاس رو این خانوم درس بده بقیه‌شو بچه‌ها برن درس بخونن.»

این نوع الگوی رفتاری حاکی از مقاومت دانش‌آموزان در برابر مطالب کتاب است. دانش‌آموزان همچنین برای اجتناب از مواجهه با محتوای کتاب در تلاش برای تغییر کاربری کلاس به موضوعات مرتبط با کنکور و تست‌زنی نیز بوده‌اند که این راهکار به عنوان استراتژی مقابله‌ای به کار گرفته می‌شده است. دانش‌آموزان معتقد بودند سختی مطالعه برای کنکور و تست‌زنی برای آن‌ها قابل تحمل‌تر از شنیدن مطالب غیرواقعی و کلیشه‌ای و موضع نادرست کتاب بوده است. آن‌ها این کتاب و کلاس آن را خسته‌کننده و بی‌ارتباط با نیازهایشان ارزیابی کردند. رها می‌گوید: «این کتاب ماله الان نیست مال خیلی وقت پیشه دیگه کسی این فکرهارو نداره با این همه هنوز توی اون کتاب می‌گفتش که آره شما باید یاد بگیرید که چگونه مثلاً زن خانه باشید مثلاً از این حرفا حالا اگه ببینیش شاید خودتون خنده‌تون بگیره چون خیلی مسخره است.»

این وضعیت کاملاً نشانه‌ای از تغییرات نسلی در تعامل با نظام آموزشی و مدرسه است. بسیاری از دانش‌آموزان اذعان به تفاوت‌های میان خود و نسل‌های گذشته داشتند و معتقد بودند که آن‌ها برخلاف نسل‌های پیشین، حاضر نیستند هرآنچه معلم یا کتاب به‌عنوان حقیقت مطرح می‌کند را بپذیرند. این تغییر نگرش جنسیتی باعث بحث‌ها و جدل‌های پرتنش در کلاس‌ها شده‌است. دانش‌آموزان نه‌تنها استدلال‌های مطرح‌شده در کتاب را به چالش می‌کشند، بلکه با اعتراض‌های صریح و مستقیم خود، ساختار قدرت معلم و محتوای کتاب را زیر سوال می‌برند. آن‌ها می‌گویند: «مادر من توی شرایطی بزرگ شد که اینطوری بود که بهش می‌گفتن همین که هست و اون‌ها هم پذیرفتن همین که هست. توی شرایطی که وقتی همه میگن اون درسته پس درسته. اما ما ... پرسیدیم چرا درسته و خواستیم که قانع شیم درست و اصولی ولی کسی نبود.»

این دانش‌آموز به‌طور شفاف به تفاوت نسلی بین نسل خود و نسل مادرش اشاره می‌کند. تمایز این دو نسل در مطالبه استدلال برای پذیرش هنجارهای اجتماعی و به‌خصوص هنجارهای جنسیتی است. در حالی که مدرسه و نظام آموزشی ما پاسخی برای این نوع مطالبات دانش‌آموزان ندارد، این فرایند منجر به بروز مقاومت‌های عمده و آگاهانه در برابر هژمونی گفتمان جنسیتی در مدرسه و ایجاد فضایی متشنج در کلاس‌های «مدیریت خانواده» شده‌است. این الگوی رفتاری دانش‌آموزان را می‌توان به‌عنوان پیامد شکل‌گیری عاملیت انتقادی تحلیل کرد که در تقابل با تلاش‌های نظام آموزشی برای بازتولید ارزش‌های سنتی و کنترل گفتمان جنسیتی قرار دارد. شکاف عمیق ارزشی میان گفتمان رسمی جنسیتی کتاب و انتظارات و تجربه زیسته دانش‌آموزان عملاً باعث بی‌اعتمادی بین دانش‌آموزان و مدرسه شده‌است.

همچنین، دانش‌آموزان تصریح کردند که عاملیت زنان به‌عنوان سوژه‌های اجتماعی مستقل نادیده گرفته شده و حضور آن‌ها در عرصه اجتماعی به‌طور سیستماتیک به سطح امری حاشیه‌ای و غیراولویت‌دار تقلیل یافته‌است. آن‌ها این بازنمایی از زنانگی را مصداق بارز بی‌عدالتی و نادیده گرفتن حقوق انسانی خود به‌شمار می‌آوردند و تصریح می‌کردند که این نوع نگرش، نه‌تنها به تجربیات و آرزوهای فردی زنان بی‌توجه است، بلکه به شرایط اجتماعی و ضرورت‌های زندگی خانوادگی مدرن نیز بی‌اعتناست. حضور اجتماعی زن در جامعه امروز نه تنها منشأ گرفته از علایق شخصی آن‌هاست بلکه ضرورت زندگی خانوادگی چه از بعد تربیت فرزند و چه از بعد اقتصادی است. فاطمه می‌گوید: «راستی اینم یادم اومد / اینکه مثلاً توی کتاب می‌گفت که شما برین شغل مثلاً پیدا بکنین اشکال نداره ولی مثلاً شغلتون یه چیزی خفن‌تر از مال همسرتون نباشه یعنی یه جوری همیشه شهروند درجه دو تورو توی کتاب نشون می‌ده.»

مطلبی که این دانش‌آموز ادعا می‌کند در کتاب اشاره شده‌است. هدف از این ایده در کتاب این است که اگر شغل زن در خانواده در جایگاه بالاتری از همسرش قرار بگیرد و یا درآمد او بیشتر از مرد باشد این امر ممکن است توازن نقش جنسیتی و قدرت را در خانواده برهم بزند و به نوعی باعث تخریب تصویر مرد نسبت به مردانگی‌اش شود. در صورتی که این دانش‌آموز این نوع تفکر را نمادی از جنس دوم بودن و نادیده گرفته شدن تفسیر می‌کند. یا به‌عنوان مثال در نظر این دانش‌آموز کتاب الگوی مردسالاری را ترویج می‌کند و مرد را در قله هرم قدرت همچون پادشاه با اختیارات کامل و زن را در خدمت او معرفی می‌کند. تفکری که در جامعه امروز ایران دچار تحول شده‌است. بهناز می‌گوید: «هشنگ معلومه که می‌خواد بگه آقا یه جوری همون قضیه مردسالاریه چون کتاب مدیریت خانواده دخترها با پسرها فرق داره من نمی‌دونم پسرا چه شکلیه مال دخترا این مدلی بود که آره شما مال شوهر و بچه‌اید و برای پسرا هم میگه شما یه شاهینو (شاه هستید) و هر کار دلتون می‌خواست بکنین احتمالاً یه همچنین چیزیه چون توی کتاب ما که عین زمان قاجار داره صحبت می‌کنه.»

و در نهایت به این نکته مهم باید اشاره کرد که تنفر دانش‌آموزان نسبت به محتوای کتاب چنان عمیق است که تمایل به نابود کردن کتاب پس از سال تحصیلی داشته‌اند. گویا درصددند خشم خود نسبت به نظام باورهای جنسیتی رسمی را با از بین بردن کتاب تخلیه کنند. همچون این دانش‌آموز که تصمیم به آتش‌زدن کتاب دارد. زهرا می‌گوید: «کتاب مدیریت خانواده که واقعاً در این حد بود که بچه‌ها میگفتن این فقط تموم شه ما آتیشش بزنیم». یا فرنوش که از گم شدن کتاب ابراز رضایت می‌کند: «الان نمی‌دونم کتابشو چیکار کردم اصلاً امیدوارم که یه جایی گم و گور شده باشه». و در ادامه می‌گوید: «معلم هم نمی‌خواست درس بده مشخص بود. می‌دونست که اینا یه چیز جالبی نیست و یک چیز مال دقیانوسه مال عهد باستانه». آناهیتا اشاره می‌کند: «خودشون می‌دونستن چرت و پرتنه. هم معلم می‌دونست، هم مدیر، و از طرفی بچه‌ها هم می‌گفتن اگه می‌خوای درس بدی، نیم ساعت یه چیزی بگو بره پی کارش».

چنین نظراتی نشان می‌دهد فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی رسمی در مدرسه با چالش‌های جدی مواجه است و گفتمان جنسیتی رسمی کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» از منظر دانش‌آموزان نگاهی تقلیل‌گرایانه به نقش‌های جنسیتی و برخلاف اقتضائات جامعه ایران تلقی می‌شود. می‌توان ادعا که این ارزیابی شناختی دانش‌آموزان دلالت بر تحول فهم جنسیت و حقوق زنان دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله مطالعه جامعه‌پذیری جنسیتی در دو کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» ویژه دختران و پسران بوده‌است. علت انتخاب این کتاب‌ها به‌عنوان نمونه مورد مطالعه، جامعیت و شمول مبحث جنسیت در آن‌هاست. جامعه‌پذیری جنسیتی هدف اصلی این دو کتاب است و کامل‌ترین و شفاف‌ترین منبع در میان برنامه درسی آشکار نظام آموزش و پرورش که به موضوع جنسیت پرداخته‌است، به حساب می‌آید. به همین دلیل مطالعه دقیق و عمیق این کتاب اهمیت بالایی دارد و ما را به‌طور مستقیم با گفتمان جنسیتی مسلط در آموزش و پرورش و الگوی نظم جنسیتی مدنظر این نهاد آموزش رسمی آشنا می‌سازد. در ادامه یافته‌های پژوهش را به بحث می‌گذاریم:

سطح بنیادین فلسفه ذات‌انگاری در نگاه به جنسیت: در تحلیل کتاب باید در گام نخست فلسفه بنیادین و رویکرد کتاب به جنسیت مورد توجه قرار گیرد. همانطور که در بخش ادبیات نظری مطرح شد دو دیدگاه ذات‌گرایانه و برساخت‌گرایانه در نسبت به مفهوم جنسیت وجود دارد. در کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» نگاه ذات‌گرایانه مسلط است. تفاوت‌های زن و مرد به علت تفاوت‌های زیستی آنان است و خداوند زن و مرد را به لحاظ زیستی و روانی متفاوت و مکمل هم آفریده است. صلابت و سرسختی مرد همچون قدرت بدنی او و عطوفت و لطافت زن همگی اموری ذاتی است که مبتنی بر اقتضائات زیست‌شناختی آن‌هاست. برای مثال در کتاب این رویکرد را در این جملات می‌بینیم: «یک مرد باید ستون زندگی باشد و بتوان به او تکیه کرد... سرپرستی خانواده وظیفه سنگینی است که خداوند بر عهده مردان قرار داده‌است. این با ویژگی‌های فیزیکی مردان و خصوصیات روحی آنان کاملاً سازگار است.» (کتاب ویژه پسران، ص ۸۵) ... این همان سرمایه محبتی است که خدا به دختر داده و او را نشانه رحمتش قرار داده‌است (کتاب ویژه دختران، ص ۱۲) ... حال که خداوند تمام هستی را بر مبنای زوجیت آفریده ... (کتاب ویژه دختران، ص ۵۰) ... با وجود همه این‌ها خداوند این هنر را به زنان داده‌است که با عواطف خود طراوت‌بخش و گرمابخش فضای خانواده خویش باشند (کتاب ویژه دختران، ص ۵۲) ... خداوند زیبایی‌های بسیار بیشتری به زنان داده و شاید به همین دلیل است که به زنان نه برابر مردان حیا عطا کرده است (کتاب ویژه دختران، ص ۷۷).

در رویکرد دوم، جنسیت به مثابه امری برساختی، متغیر و نسبی در نظر گرفته می‌شود که در فرآیند جامعه‌پذیری در افراد درونی می‌گردد. در دو کتابی که مورد مطالعه قرار گرفته‌است، چنین رویکردی وجود ندارد و حتی این نوع نگاه‌ها به جنسیت در دو کتاب به طور ضمنی به عنوان انحراف و یا آسیب معرفی می‌شود: ... آن چیزی که مهم است این است که کسی که افکار فمینیستی دارد نوعاً برای زندگی مشترک دردسرساز است، چراکه این قبیل افراد عموماً امور داخل خانه برایشان الویت اول نیست،... و در برابر مدیریت مرد در زندگی مشترک مقاومت می‌کنند (کتاب ویژه پسران، ص ۱۲۸).

از این رو با توجه به ذاتی پنداشتن زنانگی و مردانگی، هسته مرکزی زنانگی و مردانگی در دو کتاب به صورت امری ثابت و علی طرح می‌شود که دیگر ویژگی‌های زنان و مردانه، معلول آن‌هاست. محقق با توجه به میزان تأکید کتاب بر این ویژگی‌ها به مثابه عناصر معنابخش به مردانگی و زنانگی و میزان تکرار آن‌ها در سراسر کتاب‌ها و کدگذاری‌های صورت گرفته از محتوای کتاب، دو عنصر اساسی: (۱) عقلانیت و اقتدار در مقابل عطف و لطافت و (۲) قدرت، عاملیت و نقش جنسیتی را به مثابه ریشه ذاتی مردانگی و زنانگی تشخیص داده‌است.

عقلانیت و اقتدار در مقابل عطف و لطافت: تشخیص این هسته مرکزی به این دلیل اهمیت دارد که این ویژگی مضاف بر اینکه ارزش جنسیتی مفهوم مردانگی و زنانگی را نشان می‌دهد، تبیین‌کننده دیگر ارزش‌های جنسیتی مردانه و زنانه، علت تقسیم کار جنسیتی و تعریف نقش جنسیتی، عاملیت و پویایی‌های قدرت در نظام جنسیتی مورد نظر کتاب است. می‌توان گفت الگوی مرد ایده‌آل در کتاب الگوی مردانگی هژمونیک (کانل، ۲۰۰۸) است. مردانگی هژمونیک اشاره به شکل غالب مردانگی دارد که از نظر فرهنگی و اجتماعی در جایگاه متعالی قرار دارد و بر انواع دیگر مردانگی و زنانگی غلبه دارد. این تیپ عموماً شامل خصیصه‌های مردانگی سنتی است و نظم جنسیتی تحت سلطه مردانگی هژمونیک قرار دارد. باید به این نکته توجه داشته باشیم که در نظام جنسیتی سنتی زوجیت در تفسیر زنانگی و مردانگی از اهمیت بالایی برخوردار است. ارزش‌های زنانه و مردانه کاملاً در مقابل هم تعریف می‌شوند و نشان‌دهنده دو ماهیت متضاد هستند. همانطور که صلابت مردانه در مقابل لطافت زنانه و عقلانیت مردانه در مقابل عطف و زنانه قرار گرفته‌است.

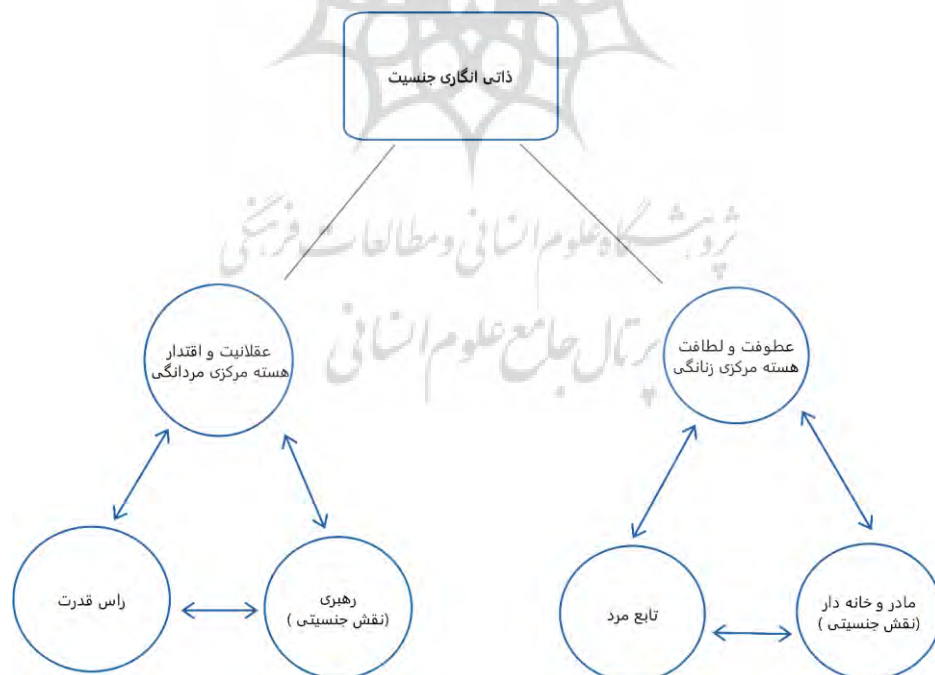
زن موفق و مطلوب در کتاب زنی است که برای او ازدواج نسبت به تحصیل و شغل الویت دارد و خانه‌داری را به شکل مطلوبی انجام می‌دهد و طبق عرف عام کدبانویی تمام‌عیار است و رسالت خود را در مادرانگی می‌بیند. او اقتدار مرد خانه را کاملاً پذیرفته است و در راستای حفظ اقتدار او عمل می‌کند در عین حال در تلاش است تا صمیمیت و محبت در خانه حفظ شود. زنان موجوداتی لطیف، ظریف، عاطفی و مهربان هستند و این امر آن‌ها را نسبت به مردان بیشتر در معرض آسیب و خطر قرار می‌دهد و به همین دلیل زنان همیشه به حمایت مردان احتیاج دارند. اما نکته قابل توجه این است که زنی که هویت خود و محدودیت‌های ناشی از آن را بپذیرد و به نقاط قوت زنانگی خود آگاهی یابد، به رضایت کامل دست می‌یابد.

قدرت، عاملیت و نقش جنسیتی: طبق تعریف نقش اجتماعی، کنشگر اجتماعی دارای پایگاه اجتماعی مشخصی است که جایگاه او را در سلسله‌مراتب قدرت در جامعه تعیین می‌کند. هر پایگاه اجتماعی نمایانگر میزان قدرت، تسلط و ارزشمندی صاحبان خود است. افراد در هر پایگاهی از امتیازات و حقوقی برخوردارند و در مقابل وظایف و تکالیفی را نیز برعهده دارند. نقش‌ها در واقع همان انتظارات، تکالیف و حقوقی است که فرد با قرار گرفتن در یک پایگاه اجتماعی به دست می‌آورد. نظام اجتماعی برای درست و نادرست اجرا کردن نقش‌ها پاداش و مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد. بنابراین نقش جنسیتی شامل انتظارات هنجاری از زن و مرد به شکلی مجزا

است که هم دربردارنده وظایف آن‌ها در خانواده و اجتماع و هم ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری آن‌ها می‌شود (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵).

از این رو پیرو تعاریف ارائه شده از زنانگی و مردانگی، نقش جنسیتی مرد رهبری و سرپرستی است که تصمیم‌گیری نهایی امور خانه بر عهده اوست و نقش جنسیتی زنان نیز خانه‌داری و مادرانگی است. در سلسله‌مراتب قدرت در خانواده و در اجتماع جایگاه مرد به واسطه نقش‌هایی که بر عهده دارد (رهبری، سرپرستی و تصمیم‌گیری) در رتبه بالاتری از زنان قرار گرفته‌است و همین امر باعث بالاتر رفتن عاملیت، نفوذ و اراده‌مندی مردان می‌شود. بدین معنا، می‌توان نقش جنسیتی مردان را تثبیت‌کننده قدرت آن‌ها دانست و هر وضعیتی که این قدرت و اقتدار را تهدید کند برهم‌زننده نظم و مسئله‌ساز خواهد بود. به همین دلیل یکی از موضوعی که کتاب به‌طور کال در هر دو نسخه دخترانه و پسرانه‌اش به آن پایبند است اهمیت حفظ جایگاه مرد به‌مثابه تکیه‌گاه در خانواده است. در کتاب ویژه دختران و پسران ملاحظات درباره موقعیت‌هایی که باعث کاهش اقتدار مرد در خانه می‌شود را می‌توانیم ببینیم. برای مثال در هنگام ازدواج زوجین باید به این موضوع توجه کنند که شأن و جایگاه اجتماعی مرد از زن پایین‌تر نباشد زیرا این موضوع اقتدار مرد و میزان اثرگذاری او در خانه و اصل سرپرستی او را به زیرسوال می‌برد. همچنین اشتغال زن و استقلال اقتصادی او نیز نباید باعث به خطر افتادن جایگاه مرد شود. برای مثال آمده است: ... وقتی شأن اجتماعی زن بالاتر از مرد باشد، عموماً مرد احساس حقارت می‌کند و چه بسا فشارهای خانوادگی‌اش را به زن بیشتر کند... (کتاب ویژه پسران، ص ۱۳۳ و کتاب ویژه دختران، ص ۱۴۳).

در نمودار زیر سه الگویی که تاکنون مورد بررسی قرار دادیم (الگوی بازنمایی ارزش‌های جنسیتی، نقش جنسیتی و روابط قدرت) به طور خلاصه نشان داده شده است:



شکل ۵. ساختار مفهومی کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی»

همان‌طور که مشخص است ارتباط سه بخش اساسی نظام جنسیتی بازنمایی شده در این دو کتاب نشان‌دهنده پایگاه و نقش جنسیتی زن و مرد و ماهیت ذاتی زنانگی و مردانگی است. هر یک از این بخش‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و فلسفه وجودی هر کدام حفظ و بازتولید نظام جنسیتی سنتی است.

خوانش انتقادی و مقاومت دانش‌آموزان در برابر گفتمان جنسیتی رسمی: مطالعه حاضر نشان داد که خوانش دانش‌آموزان دختر از محتوای کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» به هیچ وجه یکدست یا منفعلانه نبوده، بلکه در بسیاری از موارد، واجد مقاومت، اعتراض و شکل‌گیری عاملیت انتقادی بوده است. این یافته‌ها در چارچوب نظریه رمزگذاری/رمزگشایی استوارت هال قابل تحلیل‌اند. بر اساس دیدگاه هال (۱۹۷۳)، متون رسانه‌ای یا آموزشی، گرچه با یک رمزگذاری از پیش تعیین‌شده از سوی نهادهای قدرت تولید می‌شوند، اما فرآیند دریافت و رمزگشایی آن‌ها توسط مخاطبان، لزوماً مطابق با هدف تولیدکننده نیست. در مطالعه حاضر، کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» به عنوان متنی رمزگذاری شده است که هدف آن بازتولید و تثبیت نقش‌های جنسیتی سنتی است. اما پاسخ دانش‌آموزان دختر، عمدتاً در چارچوب رمزگشایی مخالف قرار دارد. آن‌ها نه تنها معنای مستتر در کتاب را درک کرده‌اند، بلکه با استناد به تجربیات زیسته، ارزش‌های نسلی و موقعیت اجتماعی - فرهنگی خود، به‌طور آگاهانه به رد و طرد گفتمان جنسیتی رسمی مستتر در کتاب پرداخته‌اند. رفتارهایی چون ترک کلاس، بی‌توجهی عامدانه، اعتراض علنی، و تلاش برای تغییر کاربری کلاس از آموزش رسمی به تست‌زنی، نمونه‌هایی از مقاومت دانش‌آموزان است که به‌خوبی با رمزگشایی مخالف در نظریه هال مطابقت دارند. دانش‌آموزان در گفتارهایشان به صراحت از فاصله بین گفتمان رسمی کتاب و واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی خود سخن می‌گویند، و این شکاف گفتمانی را عاملی برای نارضایتی، خشم و حتی انزجار نسبت به کتاب درسی تلقی می‌کنند. همچنین، در گفته‌های دانش‌آموزان نوعی مقاومت نسلی نیز قابل مشاهده است. آن‌ها با مقایسه خود با مادرانشان، بر تغییر در شیوه مواجهه با هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کنند. این امر نشانگر آن است که قدرت نهادهای آموزشی برای بازتولید نقش‌های جنسیتی سنتی در حال افول است و مخاطبان نسل جدید، به‌جای پذیرش منفعلانه، به‌سوی رمزگشایی انتقادی و آگاهانه گرایش یافته‌اند. با توجه به اینکه در دو دهه اخیر، جامعه ایران دستخوش تحولات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی مهمی بوده که باعث تغییر در ابعاد مختلف زنانگی و مردانگی، تقسیم کار جنسیتی و نقش جنسیتی شده است، نکته حائز اهمیت این است که نظام جنسیتی نیز تحت تأثیر این تحولات ساختاری قرار گرفته است. از این‌رو، نمی‌توان برنامه‌ای برای جامعه‌پذیری و تربیت جنسیتی تدوین کرد که بی‌توجه به بافت اجتماعی کنونی جامعه ایران باشد و مهم‌تر اینکه انتظار بازگشت جامعه به گذشته، در حالی که جریان‌های فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر رخدادهای جریان‌های جهانی در حال حرکت رو به جلو هستند، واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد.

به‌سخن دیگر، موضع محتوای آموزشی در حیطه جنسیت در مدارس دخترانه را با سه شاخص کلان می‌توان تعریف نمود:

(۱) نادیده گرفتن تحولات جنسیتی مدرن در جامعه ایران: در این کتاب‌ها تغییرات مثبت در نقش‌های جنسیتی و عاملیت زنان تا آنجا که همخوان با الگوهای سنتی است قابل‌پذیرش است.

(۲) عدم درک چرخش معنایی جنسیت در نسل جدید: تغییر معنای نقش‌های زنانه و مردانه و شکل‌گیری انتظارات متفاوت با تقسیم کار سنتی جنسیت باعث تغییر معنای جنسیت در میان دانش‌آموزان دختر شده است. در حالی که مدرسه با تمام قدرت خود درصدد است تا تقسیم کار جنسیتی و نقش‌های سنتی را بازتولید کند.

۳) انحراف دانستن الگوهای غیرسنتی: در این نگاه نه تنها این تغییرات پذیرفته شده نیست بلکه آسیب تلقی می‌شوند. تلقی آسیب بر الگوهای رفتاری متفاوت با الگوهای سنتی و تعریف آن‌ها به عنوان شکلی از انحراف نشان‌دهنده اراده ساختار مدرسه در مقابله با آن است.

تعریف زنانگی تنها در بستر نقش‌های خانوادگی و تقلیل آن به نقش‌های جنسیتی داخل خانه، مساوی دیدن زنانگی در کنار مادرانگی و محصور کردن تمام ابعاد وجودی یک زن به نقش مادری، به حاشیه راندن او از کنشگری اجتماعی و تعریف عرصه‌های اجتماعی به مثابه میدانی مردانه و در نهایت انتقال احساس جنس دوم بودن به دختران از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های خوانش دانش‌آموزان از کتاب است.

نکته اساسی اینجاست که درک دانش‌آموزان از آنچه کتاب ارائه می‌دهد با آنچه به عنوان ساختار معنایی کتاب با روش تحلیل محتوا به دست آمده منطبق است. تأکید بر نقش جنسیتی سنتی و تقسیم کار سنتی و فرعی‌شمردن مشارکت اجتماعی زنان هسته مرکزی هر دو زاویه دید است. اما مسئله اصلی قضاوتی است که کتاب و دانش‌آموزان نسبت به این الگوی یکسان ارائه می‌دهند و اینجا دقیقاً نقطه آغاز شکاف ارزشی میان دو طرف است. از یک طرف کتاب این الگوی جنسیتی را همچون بستری در راستای حفظ ارزش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده و حفظ توازن ارتباطی میان زن و مرد مجسم می‌کند. اما در مقابل دانش‌آموزان با تجربه زیسته خود و با نظر به شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه این نوع الگوی جنسیتی را ناعادلانه، تبعیض‌آمیز و تقلیل‌گرایانه ارزیابی می‌کنند و آن را به عنوان ابزاری می‌دانند که در جهت سرکوب و کنترل آن‌ها و حفظ نظام مردسالارانه عمل می‌کند.

در نهایت، داده‌های این پژوهش مؤید آن است که سیاست‌های رسمی بازنمایی جنسیت در کتاب‌های درسی، بدون در نظر گرفتن دگرگونی‌های فرهنگی و شکاف‌های نسلی، نه تنها ناکارآمد هستند، بلکه زمینه‌ساز بی‌اعتمادی، مقاومت و شکاف عمیق میان گفتمان رسمی و تجربه زیسته دانش‌آموزان می‌شوند. از این رو، بازنگری در محتوای برنامه درسی و به رسمیت شناختن عاملیت جنسیتی دانش‌آموزان، ضرورتی انکارناپذیر و غیرقابل چشم‌پوشی در مسیر تحول نظام آموزشی ایران است.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده سوم با عنوان «بررسی فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی در مدرسه؛ مورد مطالعه: مدارس متوسطه دوره دوم شهر دماوند»، گروه آموزشی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس و فاضل نجف‌آبادی، سمیه (۱۳۸۸). بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی، زن در توسعه و سیاست. ۷(۱)، ۸۷-۱۰۷.
- آلتوسر، لویی (۱۳۸۷). *ایدئولوژی و ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت*، ترجمه روزبه صدرآرا، تهران، چشمه
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرائی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱(۶۴)، ۱۰۶-۱۳۸.
- <https://doi.org/10.22054/qjss.2014.344>
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ نواح، عبدالرضا و ساکی، هدا (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. ۱۸(۱)، ۸۱-۱۰۲.

- رفت‌جاه، مریم و رهبری، لادن (۱۳۹۳). گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۲)، ۳۱۱-۳۳۴. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53142>
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات سمت
- عابدینی بلترک، میمنت؛ عزیزی شمami، مصطفی و منصوری، سیروس (۱۳۹۸). *تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ایران بر مبنای نقش‌های جنسیتی با تأکید بر مشاغل، مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۸(۲)، ۶۵-۹۳.
- علیمددی، زهرا؛ والا، رضا و ناظم، قتاح (۱۴۰۱). بازنمایی جنسیتی در کتاب زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه دبیرستان از منظر مؤلفه‌های نگاه نابرابر و تبعیض آمیز به زنان، *ماهنامه علوم روانشناختی*، ۲۱(۱)، ۵۵۹-۵۷۳. <http://dx.doi.org/10.52547/JPS.21.111.559>
- علی نوروزی، رضا؛ قاسمی، وحید و محمدتقی نژاد، رعنا (۱۳۹۴). تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های جنسیتی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۱)، ۱۷-۳۸. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1394.26.1.2.6>
- فاضلی، نعمت‌الله و مزین، فرشته (۱۳۹۱). خوانش دانش‌آموزان دختر از کدهای پوشش مدرسه در دبیرستان‌های دخترانه تهران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۲)، ۱۲۰-۱۵۰. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1392.14.2.5.7>
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۵). مطالعه میان‌فرهنگی جامعه‌پذیری جنسیتی در نیوزیلند و ایران، *مردم و فرهنگ*، ۱(۲)، ۷۹-۱۰۶.
- کاوه فیروز، زینب؛ صفری‌شالی، رضا، خادم‌حسینی، زهرا (۱۴۰۴). مطالعه نگرش دانشجویان به زندگی مجردی یک مقایسه جنسیتی، *مطالعات و تحقیقات در ایران*. در دست انتشار. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578>
- مه‌دی‌ار، هانیه؛ اکبری، الهام و شاکری، طوبی (۱۴۰۲). بازنمایی هویت‌های جنسیتی در کتب درسی دوره متوسطه دوم، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۳(۲)، ۱۰۱-۱۱۷.
- مهران، گلنار؛ نراقی‌زاده، افسانه و ملک‌زاده، شیما (۱۳۹۶). بررسی نقش کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر، *نواوری‌های آموزشی*، ۶۱(۲)، ۴۳-۶۶.
- نام‌آور، مائده و اله‌دادی احمدی، شیوا (۱۳۹۹). تحلیل محتوای کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، *مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری*، ۲(۲)، ۴۷-۵۹.

References

- A. Tyarakanita, N.A. Draji, D. Rochsantiningih, J. Nurkamto (2021). The representation of gender stereotypes in Indonesian English language textbooks, *Sex. Cult.* 25 (3) 1140-1157, <https://doi.org/10.1007/s12119-021-09813-0>.
- Abedini Beltarak, M., Azizi Shamami, M., & Mansouri, S. (2019). Content analysis of Iranian elementary school textbooks based on gender roles with emphasis on occupations. *Socio-Cultural Development Studies*, 8(2), 65-93. (In Persian)
- Afshani, S. A., Askari Nodoushan, A., & Fazel Najafabadi, S. (2009). Reproduction of gender roles In Persian textbooks at the elementary level. *Women in Development and Politics (Women's Studies)*, 7(1), 87-107. (In Persian)
- Alimadadi, Z., Vala, R., & Nazem, F. (2022). Gender representation in Iranian high school English textbooks: Unequal and discriminatory perspectives toward women. *Psychological Sciences Monthly*, 21(111), Spring. <http://dx.doi.org/10.52547/JPS.21.111.559> (In Persian)
- Ali Norouzi, R., Ghasemi, V., & Mohammadtaghinezhad, R. (2015). Comparative Content Analysis of Picture Books by Iran and Syria, with Emphasis on the Role of Gender Inequality, *Applied Sociology*, 26(1), 17-38. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1394.26.1.2.6>

- Althusser, L. (2008). *Ideology and ideological state apparatuses*. Translated by: R. Sadraara. Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Apple, M. W. (2004). *Ideology and curriculum*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Bhog, D. (2002). Gender and curriculum. *Economic and Political Weekly*, 1638-1642. <http://www.jstor.org/stable/4412041>
- Bourdieu, P., & Passeron, J.-C. (1977). *Reproduction in Education, Society and Culture*, London: Sage.
- Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*, New York: Routledge.
- Fazeli, N., & Mozayyan, F. (2012). Female students' reading of school dress codes in Tehran girls' high schools. *Iranian Journal of Sociology*, 14(2), 120-150. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1392.14.2.5.7>
- Connell, R. W. (2008). *Masculinities*, Berkeley: University of California Press.
- Foroutan, Y. (2012). Gender representation in school textbook of Iran: The place of language, *current sociology*, Vol.60, Issue 6, pp.771-787. 10.1177/0011392112459744
- Foroutan, Y. (2016). A cross-cultural study of gender socialization in New Zealand and Iran. *People and Culture Quarterly*, 2(2). (In Persian)
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Giroux, Henry A. (1988). *Schooling and the Struggle for Public Life: Critical Pedagogy in the Modern Age*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Gooden, A. ; Gooden M. A. (2001). Gender representation in Noteable Children's picture book: 1995-1999. *Sex Roles*, Vol.45, No. 1-2, pp. 89-101.
- Hall, S. (1973). *Encoding and Decoding in the Television Discourse*. University of Birmingham, Centre for Contemporary Cultural Studies.
- Hossein Zadeh, A. H., Navah, A., & Saki, H. (2014). Social factors affecting the formation of gender identity among female students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *Specialized Journal of Social Sciences, Islamic Azad University of Shushtar*, 8(1), 85-106. (In Persian) <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2024.100959>
- Kaveh Firooz, Z., Safari Shali, R., & Khadem Hosseini, Z. (2023). Students' attitudes toward single life: A gender comparison. *Studies and Research in Iran*, (In Press). <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.388792.1578> (In Persian)
- Mahdiyar, H., Akbari, E., & Shakeri, T. (2023). Representation of gender identities in Iranian high school textbooks. *Iranian Journal of Anthropology Research*, 13(25), 101-117. (In Persian)
- Mehrān, G., Naraqizadeh, A., & Malekzadeh, S. (2017). The role of gender stereotypes of the 1st grade high school Persian language and literature textbooks in choosing the field of study of male and female students. *Educational Innovations Quarterly*, 16(61). (In Persian)
- Namavar, M., & Elahdadi Ahmadi, S. (2020). Content analysis of gender stereotypes in Iranian elementary social studies textbooks. *Studies and Research in Behavioral Sciences*, 2(2), 47-59. (In Persian)
- Para, SH. A. (20204). A qualitative content analysis exploring gender representation in language textbooks published by Jammu and Kashmir board of school education, *Social Sciences and Humanities Open*, volume 10, 2024.
- Parsons, T., & Bales, R. F. (1955). *Family, Socialization and Interaction Process*. Glencoe, IL: Free Press.
- Raf'at Jah, M., & Rahbari, L. (2014). Exploratory typology of interpretations of femininity. *Studies and Research in Iran Social Studies*, 3(2), 311-334. <https://doi.org/10.22059/jisr.2014.53142> (In Persian)

- Share'pour, M. (2015) *Sociology of education*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Stromquist, Nelly P. (2007). "Paper commissioned for the EFA Global Monitoring Report 2008, *Education for All by 2015: will we make it?*
- Tabrizi, M. (2014). Qualitative content analysis from the perspective of deductive and inductive approaches. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 21(64), 106–138.
<https://doi.org/10.22054/qjss.2014.344> (In Persian)
- Taylor, F. (2003). Content analysis and gender stereotypes in children's books, *Teaching sociology*, Vol. 31, pp. 300-311.
- V. Guichot-Reina, A.M. De la Torre-Sierra (2023). The representation of gender stereotypes in Spanish mathematics textbooks for elementary education , *Sexuality & Culture*, 27 (4) , pp. 1481-1503.
- West, Candace & Zimmerman, Don H. (1987). Doing Gender, *Gender and Society*, 1(2), 125-151.

